ایجاد اتصال بین اجزاء مادی و تحقق آگاهی در پایه و جزء لایتجزای فیزیکی

الآن می‌خواهم در چند لحظه توضیح مختصری عرض کنم. در پایان جلسه قبل گفتم اگر زمان را برداریم، آگاهی ندارید و حتماً باید یک قطعه‌ای از زمان را به صورت بسته‌بندی داشته باشیم. در مغز ما الآن شبکه عصبی همینطور است. یعنی همین حالی که کسی در فضای طلق، «اِنا» می‌گوید، اگر کارکرد مغز او را زیر زمان فیزیولوژیکش ببینیم؛ یعنی او که الآن در فضای طلق، «من» می‌گوید و احساس دارد، این احساس دارد در یک واحد زمانی فیزیولوژیکی صورت می‌گیرد، یعنی در یک «آنِ» مختص پردازش دماغ او است که خداوند قرار داده و اگر آن «آن» را بشکنید، دیگر نیست. اگر زیر آن «آن» بروید، دیگر نیست و محو شده است. یعنی شما به یک قطعه زمانی نیاز دارید تا در آن قطعه دماغش کارهایی را انجام بدهد؛ چندین تریلیون اتصالات در زیر زمان فیزیولوژیکی آن، در نانو ثانیه، تا آنها را انجام ندهد، نمی‌تواند «انا» را در محدوده بدن خود احساس کند.

شاگرد: حرکت بودنِ فکر را می‌خواهید بفرمایید؟

استاد: نه، اتفاقاً حرکت فکر، همان چیزی است که عرض کردم مبنای سم‌بل‌گرائی بسیار مهم است و بعداً بشر به آن برمی‌گردد. حرکت فکر یک فضای دیگری است. نه، الآن صرفاً با حال کار دارم؛ حالِ خودآگاهی. بچه فعلاً آن حال را ندارد. بچه حس لامسه را دارد که اگر به پای او سوزن بزنید گریه می‌کند، اما این‌که بخواهید او را در فضای طلق قرار بدهید و به خود بیایید و «انا» بگوید، فعلاً آن حس را ندارد. یعنی علم به علم ندارد. یک خودآگاهی دارد که «یجد نفسه» و یک وجدان بسیط دارد، اما به وجدان مرکب، بچه نمی‌گوید من، من هستم. «یجد نفسه» را بچه ندارد.

شاگرد: یعنی می‌خواهید بفرمایید همانطوری که آب در پایه‌های مختلف، طبیعی داشت و آن را جلوه می‌دادند، این خودآگاهی هم حقیقتی دارد که ....

استاد: بله، یعنی خودآگاهی هم طبیعیای است که مجالی مختلفی دارد. در یک مجال شما می‌توانید با قطعه‌بندی زمان و زیر این زمان...؛ یعنی اگر زمان را گفتید یک می‌کروثانیه، اگر به زیر می‌کروثانیه بروید و به نانوثانیه بروید، می‌لی‌ارده‌ا کار انجام می‌دهید تا برآیند آن می‌لی‌ارده‌ا کار در آن می‌کرو ثانیه خروجی آن بیاید. در نانو ثانیه چقدر کار و اتصالات انجام می‌دهید، برآیند آن کارهای بسیار عظیم این می‌شود که شما در می‌کروثانیه یک خروجی دارید. و لذا آن جلسه عرض کردم مثل سقفی است که یکدیگر را نگه می‌دارند؛ مثل آجرهای سقف است. اتصالاتی در زیر آن می‌کروثانیه دارید که این‌ها با هم همراه هستند و در آن، یک سقف درست می‌کنند. خب حالا این آجر در این سقف به آن بند است یا به دیگری بند است؟! همه به هم بند هستند؛ دور معی است.

الآن در ما نحن فیه چه چیزی دارید؟ یک جزء لایتجزایی از پایه احساس دارید - از پایه؛ فعلاً پایه را جلو بروید تا احساس بیاید -. آن پایه چیست؟ شما بین دو جزء مادی که طبیعت آن‌ها، جمع و انعزال

و عدم اطلاع است، با قطع‌ه‌بندی زمان، اطلاع ایجاد می‌کنید.

بازبینی #3
ایجاد شده 16 سپتامبر 2024 14:45:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:29:10 توسط ... .